نابرابری درآمدی در ایران

حمیده ذاکر هنجنی*

طرح مسأله: *هدف اساسی در این تحقیق اندازه‌گیری نابرابری درآمدی در ایران است. در این پژوهش فرض ما این است که نابرابری درآمدی در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ افزایش یافته است.*

روش: *ابتدا اطلاعات مقطعی توزیع درآمد (هزینه) به تفکیک مناطق شهری و روستایی بر اساس ریز داده‌های طرح درآمد ـ هزینه (بودجهٔ خانوار) جمع‌آوری و سازمان‌دهی شده است، سپس با استفاده از سه شاخص ضریب جینی، آتکینسن و تایل در بسته نرم‌افزاری stata نابرابری درآمدی طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ به تفکیک مناطق شهری و روستایی اندازه‌گیری شده است.*

یافته‌ها: *در برآورد از شاخص تایل و شاخص آتکینسن بیشترین سطح نابرابری در مناطق شهری در سال‌های ۶۹ و۷۰ و۶۶ و کمترین سطح نابرابری در سال‌های ۸۲ و۸۳ دیده شده است و در مناطق روستایی بیشترین سطح نابرابری در سال‌های ۶۹ و۷۰ و۶۵ و کمترین سطح نابرابری در سال‌های ۸۲ و۸۳ است. دامنهٔ معنی‌دار ε در شاخص آتکینسن برای مناطق شهری و روستایی بین صفر و یک است. در برآورد ضریب جینی بیشترین سطح نابرابری در سال‌های ۶۵ و۷۰ و۶۶ و کمترین سطح نابرابری در سال‌های ۸۲ و ۸۳ است.*

کلید واژه‌ها: آتکینسن، تابع رفاه اجتماعی، تایل، ضریب جینی، نابرابری درآمدی

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۸۶/۳/۱۶

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی <hamidehzaker@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

مقدمه

موضوع فقیر و غنی همواره از دغدغه‌های جامعهٔ بشری بوده است که با پیدایش علم اقتصاد از زمان آدام اسمیت (Adam Smith) تاکنون مورد توجه اقتصاددانان بوده است. امروزه در کمتر گوشه‌ای از جهان نشانی از فقر عمیق اعصار گذشته می‌توان یافت و شکاف میان طبقات اجتماعی ـ اقتصادی بسیار کاهش یافته است، که بخشی از این دستاورد محصول تحول فکری در برخورد با مسأله عدالت اجتماعی در دوران جدید است. امروزه شرایط اقتصادی دیگر، همچون گذشته تغییرناپذیر تلقی نمی‌شوند و تمایل جامعه به یکسان‌سازی سطح زندگی برای افراد رو به گسترش روزافزون گذاشته است. تلاش‌های جوامع گوناگون در برقراری و توسعهٔ طرح‌های متفاوت و فراگیر تأمین اجتماعی در تمام سطوح شاهدی بر این مدعاست. امروزه این تمایل عمومی که درآمد واقعی هر فرد، کمتر از یک حداقل مشخص نباشد، در کشورهای توسعه‌یافته تا حد زیادی به‌وجود آمده است. برآوردن این حداقل زندگی است که الزام جمع‌آوری اطلاعات و آمار مربوط به توزیع درآمد را در پی آورده است تا تنظیم روش‌هایی اصولی جهت کاهش بی‌عدالتی اقتصادی را میسر سازد. توجه به این امر، در کشورهای رو به توسعه مانند ایران که از نابرابری های عمیق‌تری رنج می‌برند، ضرورتی انکارناپذیر است. روش علمی بیان توزیع درآمد میان افراد، امری است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

۱) طرح مسأله

مفهوم نابرابری، هم بسیارساده است و هم بسیار پیچیده؛ در یک سطح ساده‌ترین مفهوم است که با چنان جاذبه‌ای مردم را تحت تاثیر قرارداده که تاکنون هیچ مفهوم دیگری چنین تاثیری نداشته است. اما این مفهوم در سطحی دیگر، به طور فزاینده‌ای پیچیده است به نحوی که عباراتی را که در باب نابرابری بیان می‌شوند بسیار غامض می‌کند و بنابراین موضوع تحقیقات زیادی توسط فلاسفه، محققان آمار، نظریه‌پردازان سیاسی، جامعه‌شناس‌ها و اقتصاددان‌ها بوده است. پیچیدگی در اندازه‌گیری این مفهوم از این نکته آغاز می‌شود که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

این کلمه در ذهن افراد مختلف، بسته به پیش‌داوری و دانش آن‌ها، مفاهیم متفاوتی را ایجاد می‌کند (Sen Amartya Kumar, 1997).

نابرابری، چیزی بیشتر از یک عبارت ریاضی نیست که در مقابل آن، برابری فقط اشاره به این واقعیت دارد که دو یا چند کمیت با هم یک اندازه دارند و نابرابری به طور آشکار تفاوت بین این کمیت‌ها را بیان می‌کند.

برای این‌که وارد بحث اندازه‌گیری نابرابری درآمدی شویم لازم است چند مفهوم اصلی در این بحث مورد توجه بیشتر قرار گیرد. یکی از مشکلات اصلی در این اندازه‌گیری درک صحیح و استفادهٔ درست از مفهوم درآمد است.

اگر شاخص‌های نابرابری اجتماعی مورد نیاز باشد، این صفت (درآمد) به عنوان یک مفهوم گسترده تفسیر خواهد شد و اگر فقط یک صفت خاص و یا یک تعریف خاص از توزیع مطرح باشد، از یک مفهوم جزیی‌تر از درآمد استفاده خواهد شد. در نظر بگیرد که برای نشان دادن رفاه یک شخص در جامعه، شاخصی به‌کار برده شود. تعدادی مشخصهٔ اقتصادی شخصی مانند ثروت، درآمد در دوره زندگی، درآمدماهانه یا هفتگی در ذهن ما برای این شاخص وجود دارد. از این رو برای هر فرد مجموعی از پول در حساب بانکی، ارزش دارائی سهام و اوراق قرضه، خانه و هرچیزی که یک شخص دارا می‌باشد را در نظر می‌گیریم. در این‌جا دو مشکل ممکن است به‌وجود آید:

الف) چگونه این دارائی‌های غیر متجانس را با هم ارزش‌گذاری کنیم و همه را تحت عنوان درآمد جای دهیم.

ب) دارائی‌های دیگری را نیز باید شامل این نظریه قرار دهیم.

به عنوان مثال می‌توان به شخصی که جایی مشغول به کار است و حق بازنشستگی خواهد داشت اشاره نمود. مطمئناً داشتن شغلی که شخص را سرانجام مستحق دریافت حقوق بازنشستگی نماید ارزشمند است، اما این ارزش، چقدر است؟ مطمئناً این حق بازنشستگی مانند بقیه دارایی‌ها نقد نیست و ارزش واقعی آن یک ارزیابی تخمینی است.

می‌توان به مثال دیگر برای این گونه دارائی‌ها اشاره کرد. شخصی را در نظر بگیرید که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

به علت دارا بودن تحصیلات بالا و یا آموزش بهتر، درآمد بهتری درآینده خواهد داشت. مطمئناً ارزش این درآمدها جزء ثروت یک شخص به حساب می‌آید. مانند بقیه دارائی‌ها برای اینگونه دارائی‌ها ما نیاز به یک جمع کل درآمد در طول زندگی شخص داریم. تمام این انواع ثروت شاخص رفاه شخصی برای یک شخص را معین می‌کند. بنابراین علاوه بر اندازه‌گیری درآمد واقعی به‌دست آمده در طول زندگی، نیاز به درآمدهای انتظاری آینده هم داریم که ما را با مشکل دیگری یعنی مشکل پیش‌بینی این درآمدها و ارزش‌گذاری متناسب آن مواجه می‌کند. در نتیجه با یک مشکل ذاتی در این شاخص کلی درآمد برخورد می‌کنیم. برای رفع این مشکل می‌توانیم از مفهوم جزئی‌تر درآمد استفاده نمائیم و مصرف افراد در یک سری کالاهای خاص را به عنوان شاخصی از درآمد در نظر بگیریم. نکتهٔ آخر که دربارهٔ درآمد باید متذکر شویم این است که اندازهٔ کیک ما همیشه ثابت نیست؛ ما معمولاً طوری از نابرابری صحبت می‌کنیم که تصور می‌کنیم مجموعه‌ای از کالاهای ثابت وجود دارد که باید توزیع شوند، در صورتی که به جز بعضی امکانات مانند زمین، بقیه کالاها و امکانات قابل تغییر هستند. وقتی قراردادهای توزیع درآمد تغییر می‌کنند، در نتیجه، تصمیمات مرتبط با کیک (درآمدملی) نیز تغییر خواهد کرد؛ یا وقتی می‌خواهیم نابرابری در توزیع درآمد را در دو نقطه از زمان مقایسه کنیم مانند این است که درآمد کل تغییر کند و علاوه بر آن وقتی اندازهٔ کیک تغییر می‌کند، در نتیجه، توزیع مجدد اعمال می‌شود و دیدگاه ما را دربارهٔ نابرابری در جامعه تغییر می‌دهد.

۲) چارچوب نظری

۲-۱) جنبه‌های عینی و هنجاری

در باب مسألهٔ اندازه‌گیری نابرابری می‌توانیم بحث را با یک نکتهٔ روش‌شناختی آغاز کنیم. سنجه‌های نابرابری‌ای که در آثار اقتصادی عرضه شده‌اند را می‌توان زیر دو طبقهٔ کلی دسته‌بندی کرد. از یک سو سنجه‌هایی قراردارند که می‌کوشند میزان نابرابری را در یک مفهوم عینی اندازه‌گیری کنند که معمولاً با استفاده از سنجه‌های آماری تغییر نسبی درآمد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

مانند (واریانس، ضریب تغییر، ضریب جینی و غیره) صورت می‌گیرند و از سوی دیگر سنجه‌هایی هستند که می‌کوشند تا نابرابری را بر حسب یک مفهوم هنجاری از رفاه اجتماعی اندازه‌گیری کنند، به نحوی که درجهٔ نابرابری بیشتر منعکس‌کنندهٔ سطح پایین‌تر رفاه اجتماعی برای سطح معینی از درآمد کل است (مانند سنجه دالتون، آتکینسن، و از این قبیل). می‌توان استدلال کرد که اتخاذ روی‌کرد نخست، مزیت‌هایی دارد به طوری که می‌توان بین الف) دیدن نابرابری و ب) ارزش‌گذاری آن برحسب معیار اخلاقی تمایز قائل شد. در روی‌کرد دوم، نابرابری یک مفهوم عینی نیست و مشکل اندازه‌گیری، گرفتار مشکل ارزش‌گذاری اخلاقی نیز خواهد شد.

این نکتهٔ روش‌شناختی اساساً منعکس‌کنندهٔ ماهیت دوگانهٔ برداشت ما از نابرابری است. بدیهی است که یک عنصرعینی در این مفهوم وجود دارد. آشکار است که تقسیم پنجاه پنجاه یک کیک بین دو نفر به معنای ساده آن برابرتر است تا همهٔ کیک را به یک نفر بدهیم و چیزی به دیگری ندهیم. از سوی دیگر در بعضی مسائل پیچیده و غامض، مقایسهٔ توزیع‌های مختلف درآمد بین تعداد زیادی از مردم بسیار مشکل خواهد بود چرا که در این گویه موارد، نمی‌توان از نابرابری به روشی کاملاً عینی سخن گفت. اندازه‌گیری سطح نابرابری بدون وارد کردن بعضی مفاهیم اخلاقی ممکن است عملی نباشد. پاسخ به این سؤال که کدام یک از این دو روی‌کرد را باید دنبال کرد کار ساده‌ای نیست و در استفادهٔ عملی از این دو روی‌کرد نمی‌توان آن‌ها را از هم متمایز کرد. حتی اگر نابرابری را به عنوان یک مفهوم عینی در نظر بگیریم، علاقهٔ ما به اندازه‌گیری آن باید معطوف به علائق هنجاری ما به آن باشد و در ارزیابی مزیت‌های نسبی سنجه‌های عینی متفاوت نابرابری، بسیار حائز اهمیت خواهد بود که ملاحظات هنجاری را نیز وارد کنیم. هم‌زمان حتی اتخاذ یک دید هنجاری برای سنجه‌های نابرابری درآمدی، ضرورتاً به معنای دربرگرفتن کلیت ارزشیابی اخلاقی ما نخواهد بود. فرض ما بر این است که هدف، بیان یک جنبهٔ خاص از مقایسهٔ هنجاری است؛ اما این‌که چه جنبهٔ خاصی مورد توجه است بستگی به جنبه‌های عینی مسألهٔ نابرابری دارد. این‌که بگوئیم الف نابرابری کمتری دارد یا ب حتی اگر منظور، یک

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

گزارهٔ ارزشی باشد، متضمن یک توصیهٔ نامحدود در انتخاب الف به جای ب نخواهد بود بلکه فرض ما بر این است که این توصیه با ملاحظات دیگری تلفیق خواهد شد. به هر طریق سنجه‌های استفاده نابرابری باید جنبه‌های هنجاری را تلفیق کنند.

۲-۲) ضریب جینی[1]

سنجه‌ای که به طور بسیار گسترده‌ای برای نشان دادن شدت نابرابری مورد استفاده قرار گرفته است ضریب جینی است که یک روش بررسی آن استفاده از منحنی لورنز است. روش‌های مختلفی برای تعریف ضریب جینی وجود دارد. ولی شاید ساده‌ترین تعریف را بتوان به صورت زیر عنوان کرد که در آن ضریب جینی تفاوت نسبی بین هر دو درآمد ممکن در یک جمعیت است.

$$G = \frac{1}{2n^2 y}\sum_{i=1}^{n}\sum_{j=1}^{n}(y_i y_j)$$

۲-۳) تابع رفاه اجتماعی

یکی از روش‌ها برای معرفی و توضیح ارزش‌های اجتماعی در نابرابری، استفاده از تابع رفاه اجتماعی است که به سادگی، همهٔ شرایط ممکن جامعه و اولویت‌های اجتماعی را دسته‌بندی می‌کند. البته دسته‌بندی و رتبه‌بندی‌های متفاوتی را با استفاده از مشخصه‌های مختلف می‌توان به‌دست آورد، اما ما نگران تفاوت‌های به‌وجود آمده در این دسته‌بندی‌ها نخواهیم بود چون بیشتر این دسته‌بندی‌ها و اصول، از قبل از طریق مراجع دستوری در هر جامعه مشخص می‌شوند. ساده‌ترین شکل تابع رفاه اجتماعی شرایط اجتماعی روشن و بدون ابهام را درجه‌بندی می‌کند. اگر شرایط A به شرایط B ترجیح داشته باشد، سپس تابع رفاه اجتماعی نقطهٔ A ارزش بالاتری نسبت به تابع رفاه اجتماعی نقطهٔ B خواهد داشت. اما این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که چند تابع رفاه اجتماعی سودمند می‌توان

1. Gini Coefficient

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

به‌وجود آورد؟ برای کمک به جواب این سؤال ابتدا باید خصوصیات یک تابع رفاه اجتماعی مطلوب را بیان کنیم.

اول این‌که تابع رفاه اجتماعی یک تابع فردی غیرکاهنده است. (y_{iA} اهمیت موقعیت اقتصادی شخص i در شرایط اجتماعی A است). اگر سطح رفاه در هر نقطهٔ A را با w_A معرفی کنیم می‌توان نوشت:

$$w_A=w(y_{1A},y_{2A,.....},y_{nA})$$
$$i=1,2,.....,n$$

اگر $y_{1B} \prec y_{1A}$ باشد، با ثابت بودن سایر شرایط، سپس $w_B \succ w_A$ به این معنی است که نقطهٔ B حداقل به خوبی نقطهٔ A خواهد بود

دوم، تابع رفاه اجتماعی یک تابع متقارن است:

$$w(y_1,y_2,....,y_n)=w(y_2,y_1,.....y_n)=w(y_n,.....,y_2,y_1)$$

البته باید این نکته را اضافه کرد که ارزش w به طبقات به‌خصوص جمعیت بستگی ندارد.

سوم، تابع رفاه اجتماعی تابعی جمعی است که می‌توان آن را به صورت زیر نوشت:

$$w(y_1,y_2,....,y_n)=\sum_{i=1}^{n}u_i(y_i)=u_1(y_1)+u_2(y_2)+.....+u_n(y_n)$$

که u_1 تابعی از y_1 می باشد و الی آخر. اگر این سه شرط برآورده شوند، آن‌گاه تابع رفاه اجتماعی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$w=u(y_1)+u(y_2)+.....+u(y_n)$$

که w یک تابع یکسان برای هر فرد است و ($u(y_i$ با افزایش y_i افزایش می یابد.

چهارم، تابع رفاه اجتماعی یک تابع اکیداً مقعر است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

پنجم، تابع رفاه اجتماعی کشش ثابت دارد.

۴-۲) شاخص آتکینسن[1]

آتکینسن آن‌چه را وی "درآمد معادلِ به طور یکسان توزیع شدهٔ" یک توزیع معین از درآمد کل می‌نامد به صورت آن سطح از درآمد سرانه تعریف می کند که اگر همه از آن برخوردار شوند رفاه کل دقیقاً برابر رفاه کل حاصل از توزیع درآمد بالفعل می‌شود.

شاخص آتکینسن به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$A_\varepsilon = 1 - \left[\frac{1}{n} \sum_{i=1}^{n} \left[\frac{y_i}{y} \right]^{(1-\varepsilon)} \right]^{\frac{1}{1-\varepsilon}}$$

به بیان دیگر می‌توان گفت جمع سطوح متحقق رفاه همهٔ مردم مساوی جمع رفاهی است که اگر مردم در درآمد y_e می‌داشتند پدید می‌آمد. از آن‌جا که هر $u(y)$ مقعر در نظر گرفته می‌شود، یعنی با مطلوبیت نهایی غیرافزایشی، y_e نمی‌تواند بزرگ‌تر از درآمد متوسط y باشد. بعلاوه هر چه توزیع از برابری بیشتری برخوردار باشد y_e به y نزدیک‌تر خواهد بود. بدیهی است اگر درآمد به طور مساوی توزیع شود سپس y_e برابر y خواهد بود و مقدار سنجهٔ آتکینسن صفرخواهد شد. برای هر توزیعی مقدار A_ε باید بین صفر و ۱ باشد. برای سنجهٔ آتکینسن برای هر ε مقادیر مختلفی از A وجود دارد. ε یک پارامتر انزجار از نابرابری می‌باشد که غیرمنفی است. به بیان دیگر ε میزان حساسیت شاخص آتکینسن را به اندازهٔ نابرابری نشان می‌دهد (هر چه مقدار ε بیشتر می‌شود میزان حساسیت این شاخص به نابرابری نیز بیشتر می‌گردد). تحقیقات جدید نشان می‌دهد که دامنهٔ معنی‌دار ε در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد.

1. Atkinsons Measure

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

۵-۲) نابرابری و نظریهٔ اطلاعات[1]

یک شاخص جالب توجه نابرابری به‌وسیله تایل در سال ۱۹۶۷ پیشنهاد شد که مفهوم انتروپی در فیزیک را به نظریهٔ اطلاعات بسط داد. این سنجه از نقطه نظر هدف، تا حدودی با ردهٔ سنجه‌هایی که تاکنون دیده‌ایم تفاوت دارد.

فرض کنید $(1,2,....,n)$ پیشامد وجود دارد که احتمال اتفاق افتادن هرکدام را $(p_1,p_2,....p_n)$ در نظر می‌گیریم که در آن $o \prec p_i \prec 1$، وقتی احتمال اتفاق افتادن پیشامدی یک است، به این معناست که آن پیشامد حتماً اتفاق خواهد افتاد.

فرض کنیم که پیشامد 1 اتفاق افتاده است.

اگر $h(p_i)$ ارزش این اطلاعات نام‌گذاری شود (محتوای اطلاعاتی) محتوای اطلاعات $h(p_i)$ با توجه به این‌که آن رویداد در واقع رخ داده است باید یک تابع نزولی از p_i باشد. منظور این است که هر چه یک رویداد غیرمحتمل‌تر باشد، دانستن این‌که آن چیز در واقع اتفاق افتاده است جالب توجه‌تر خواهد بود.

یعنی هر چه p_i به سمت یک میل می‌کند ارزش محتوای اطلاعاتی آن یعنی $h(p_i)$ کمتر می‌شود و هرچه p_i به سمت صفر میل کند ارزش محتوای اطلاعاتی آن یعنی $h(p_i)$ زیادتر می‌شود.

نکتهٔ دوم این‌که اگر پیشامد ۱ و ۲ به طور آماری از هم مستقل باشند، سپس احتمال وقوع حادثهٔ ۱ و ۲ با هم p_1p_2 خواهد بود. بنابراین ارزش اطلاعاتی مربوط به این دو حادثهٔ مرتبط، به صورت تابع زیر درمی‌آید:

$$h(p_1p_2)=h(p_1)+h(p_2)$$

و تابعی که می‌تواند به تمام ارزش‌های p اعتبار دهد $h=\log(p)$ می‌باشد.

1. Information Theory

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

وقتی n رویداد امکان پذیر (n,..... ,2 , 1) وجود دارد و احتمال وقوع هر یک را $(p_1,.....,p_n)$ در نظر گرفتیم می‌توان گفت:

$$\sum_{i=1}^{n} p_i = 1 \qquad p_i \geq 1$$

انتروپی یا محتوای اطلاعاتی مورد انتظار این وضعیت را می‌توان به صورت جمع محتوای اطلاعاتی هر رویداد که وزن آن با احتمال مربوطه تعیین می‌شود در نظر گرفت.

$$\begin{aligned} entropy &= \sum_{i=1}^{n} p_i h(p_i) \\ &= -\sum_{i=1}^{n} p_i \log(p_i) \\ &= \sum_{i=1}^{n} p_i \log(\frac{1}{p_i}) \end{aligned}$$

واضح است که هر چه احتمال وقوع p یعنی p_i به $\frac{1}{n}$ نزدیک‌تر باشد، انتروپی بیشتر خواهد شد.

۶-۲) سنجهٔ تایل[1]

در حالی که در ترمودینامیک، انتروپی یک راه حل قابل استفاده برای اندازه‌گیری بی‌نظمی در نظر گرفته می‌شود، تایل معتقد است که مفهوم انتروپی یک راه قابل استفاده برای اندازه‌گیری نابرابری می‌باشد. تنها کاری که ما باید بکنیم این است که n حادثهٔ امکان‌پذیر را به عنوان n فرد در جامعه در نظر بگیریم و p_i را به عنوان سهم فرد i از درآمد کل در نظر بگیریم.

1. Theils Measure

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

در نتیجه می‌توان گفت:

$$s_i=\frac{y_i}{ny} \qquad \sum_{i=1}^{n} s_i=1$$

با کم کردن انتروپی واقعی توزیع درآمد از حداکثر ارزش ممکن این انتروپی (وقتی هر $s_i=\frac{1}{n}$ هر کس سهم مساوی خواهد داشت) می‌توانیم وضعیت سنجهٔ نابرابری تایل را به صورت زیر در نظر بگیریم:

$$T=\sum_{i=1}^{n}\frac{1}{n}h(\frac{1}{n})-\sum_{i=1}^{n}s_i h(s_i)$$
$$=\sum_{i=1}^{n}s_i\left[h(\frac{1}{n})-h(s_i)\right]$$
$$=\sum_{i=1}^{n}s_i\left[\log(s_i)-\log(\frac{1}{n})\right]$$
$$=\frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\frac{y_i}{y}\log\frac{y_i}{y}$$

هر کدام از این چهار عبارت به نوعی سنجهٔ تایل را معرفی می‌کند.

۳) روش تحقیق

در این تحقیق از ریزداده های بودجهٔ خانوار به‌صورت خام و مطابق با پرسش‌نامه در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ جهت برآورد شاخص‌های نابرابری استفاده شده است. سپس با استفاده از سه شاخص ضریب جینی، آتکینسن و تایل در بسته نرم‌افزاری stata نابرابری درآمدی طی سال‌های طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ به تفکیک مناطق شهری و روستایی اندازه‌گیری شده است.

۳-۱) موانع و محدودیت‌ها

از مشکلات تحلیل توزیع درآمد در ایران، همچون دیگر کشورهای در حال توسعه، تغییر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

مفاهیم واژه‌ها، روش‌های محاسبه و طبقات آماری است. این مسأله سازگاری اطلاعات موجود را در طی زمان مشکل می‌سازد. علاوه بر این، گستردگی بی‌سوادی و عدم آشنایی و درک صحیح از اهداف آمارگیری و ناآشنایی با مفاهیم و واژه‌های مورد استفاده، دقت اطلاعات گردآوری شده را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد. به علت در اختیار نبودن اطلاعات درآمدی در سال‌های مختلف و عدم دقت در آن‌ها و غیرقابل اعتماد بودن داده‌های آماری مربوط به درآمد، به ناچار در مطالعاتی که تاکنون در مورد توزیع درآمد در ایران صورت گرفته است، از آمار مربوط به هزینه‌های مصرفی خانوارها و نحوهٔ توزیع آن به عنوان تقریبی از سنجش نابرابری درآمد استفاده می‌شود. اصولاً توزیع مصرف عادلانه‌تر و نوسانات آن، به مراتب کمتر از توزیع درآمد است.

در مورد فواصل طبقاتی، در سال‌های مختلف وحدت رویه‌ای ملاحظه نمی‌شود. تعداد خانوارهای نمونه در سال‌های مختلف متفاوت بوده است که این تغییرات محدودیت‌های زیادی را برای تحقیق به وجود می‌آورد.

اطلاعات مربوط به توزیع هزینه و درآمد همه ساله در دو گزارش مستقل از نتایج تفصیلی آمارگیری بودجه خانوارها برای مناطق شهری و روستایی جداگانه منتشر می‌گردد. این نمونه‌گیری از سال ۱۳۴۲ شروع و به استثناء چند سال، همه ساله ادامه داشته است. ولی رویهٔ واحد یکسانی در طول این مدت تعقیب نشده است.

۴) یافته‌ها

نتایج حاصل از برآورد شاخص آتکینسن طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ در مناطق شهری با استفاده از ε (۰/۲، ۰/۵ ، ۰/۷ ، ۱/۵ ، ۲،۳) در جدول شمارهٔ ۱ خلاصه شده است.

در ۱ > ε > ۰، در روند نابرابری (مناطق شهری) طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ سازگاری وجود دارد. هرچه مقدار ε بیشتر می‌شود، این سازگاری کمتر می‌گردد و روند نابرابری در ε های مختلف با هم متفاوت می‌شود به بیان دیگر دامنهٔ معنی‌دار ε در مناطق شهری بین صفر و یک است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

نتایج حاصل از برآورد شاخص تایل و ضریب جینی در مناطق شهری طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ در جدول شمارهٔ ۱ خلاصه شده است.

در نمودار شمارهٔ ۱ روند نابرابری با استفاده از شاخص آتکینسن در دامنهٔ معنی‌دار نشان داده شده است. در این نمودار بیشترین سطح نابرابری طی دورهٔ ۸۳-۱۳۶۳ به ترتیب در سال‌های ۶۶، ۷۰، ۶۹ مشاهده شده است، در مقابل کمترین سطح نابرابری در سال‌های ۸۳ و ۸۲ دیده شده است.

نمودار۱: روند نابرابری در مناطق شهری با استفاده از شاخص آتکینسن



در نمودار شمارهٔ ۲ روند نابرابری طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ در مناطق شهری خلاصه شده است. در سال‌های ۶۹ ، ۷۰، ۶۶ به ترتیب بیشترین سطح نابرابری دیده می‌شود و در سال‌های ۸۲ ، ۸۳ به ترتیب کمترین سطح نابرابری وجود دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

جدول ۱: برآورد شاخص آتکینسن، تابل وضرب جینی در مناطق شهری طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۳

سال / آمار	جمعیت (N)	میانگین درآمد (µ)	A(ε=۰/۲)	A(ε=۰/۵)	A(ε=۰/۷)	A(ε=۱/۵)	A(ε=۲/۰)	A(ε=۳/۰)	T	G
۱۳۶۳	۱۴۷۲۸	۱۰۰۲۳۱/۵	۰/۰۶۱۶۸	۰/۱۳۹۴۱۵۴	۰/۲۰۵۷۵۷۱	۰/۴۲۷۶۶۰۲	۰/۵۷۱۸۷۰۴	۰/۸۱۷۳۱۷۲	۰/۳۱۶۴۰۹۵	۰/۴۲۴
۱۳۶۴	۱۳۹۷۶	۱۰۳۵۳۶/۱	۰/۰۶۰۷۹۶۸	۰/۱۲۷۴۶۴۴	۰/۲۰۲۹۳۴۳	۰/۴۱۵۹۶۲۱	۰/۵۴۷۹۲۲۲	۰/۷۷۷۷۲۳	۰/۳۱۱۰۹۷	۰/۴۲۹
۱۳۶۵	۲۷۴۵	۱۱۱۷۳۶/۴	۰/۰۶۲۰۴۰۹	۰/۱۲۹۶۱۴۱	۰/۲۰۵۰۱۵۳	۰/۴۱۵۶۶۳۲	۰/۵۵۶۶۱۹	۰/۸۶۱۰۰۵۴	۰/۳۱۸۳۷۴۸	۰/۴۳۶
۱۳۶۶	۲۷۴۸	۱۳۲۲۲۹/۶	۰/۰۶۷۳۷۸۷	۰/۱۵۸۴۳۸۶	۰/۲۱۴۱۷۸	۰/۴۱۳۵۶۶۶	۰/۵۳۰۱۲۵۳	۰/۷۴۱۹۲۶	۰/۵۱۷۹۶۵	۰/۴۵
۱۳۶۷	۳۹۸۷	۱۵۲۹۹۶/۸	۰/۰۵۸۵۷۱۷	۰/۱۴۱۷۷۲۹	۰/۱۹۴۶۰۷۶	۰/۳۹۳۷۴۹۵	۰/۵۱۸۷۵۹۱	۰/۷۷۲۷۹۷۸	۰/۲۹۹۶۶۶۴	۰/۴۱۸
۱۳۶۸	۵۴۹۲	۱۸۰۳۳۵/۸	۰/۰۶۰۵۷۱۸	۰/۱۲۵۶۶۰۱	۰/۱۹۹۵۳۵۴	۰/۴۰۵۵۲۶۸	۰/۵۳۶۳۴۶۲	۰/۷۷۵۲۷۱۸	۰/۳۱۲۰۹۹۵	۰/۴۳
۱۳۶۹	۹۰۹۵	۲۱۲۸۱۵/۳۵	۰/۰۶۶۰۸۷۲۵	۰/۱۶۶۱۳۳۷	۰/۲۰۵۲۴۹۶	۰/۴۰۱۹۴۹۲۵	۰/۵۲۸۲۸۴۶	۰/۷۶۶۵۵۲۶	۰/۳۵۶۳۱۳۵۵	۰/۴۱۶
۱۳۷۰	۹۱۶۸	۲۴۵۲۹۴/۹	۰/۰۷۱۶۰۲۷	۰/۱۵۹۱۴۷۲	۰/۲۱۰۹۶۳۸	۰/۳۹۸۳۷۱۷	۰/۵۲۰۲۲۳	۰/۷۵۷۸۳۳۴	۰/۴۰۰۵۲۷۶	۰/۴۳۹
۱۳۷۱	۹۲۵۰	۳۰۲۶۶۳	۰/۰۵۸۸۱۳۹	۰/۱۳۹۸۲۴۲	۰/۱۹۰۶۱۸۷	۰/۳۷۴۰۶۰۸	۰/۴۹۳۳۱۹۲	۰/۷۳۴۰۹۴۱	۰/۳۰۵۹۱۲۱	۰/۴۲۸
۱۳۷۲	۶۷۷۵	۳۷۰۵۶۵/۴	۰/۰۵۳۲۰۵۵	۰/۱۲۷۵۵۰۵	۰/۱۷۴۳۰۹۸	۰/۳۴۷۹۱۶۹	۰/۳۰۵۹۱۲۱	۰/۷۶۷۷۱۴۳	۰/۲۷۴۵۱۷۱	۰/۴۱۱
۱۳۷۳	۱۲۱۱۶	۵۴۶۱۹۷/۲	۰/۰۵۴۷۶۳۹	۰/۱۲۹۹۳۹۵	۰/۱۷۶۵۲۱۷	۰/۳۴۷۱۱۹۵	۰/۴۵۳۸۹۴۵	۰/۶۸۶۴۸۰۲	۰/۲۸۴۸۵۱۲	۰/۴۱۳
۱۳۷۴	۲۰۱۹۶	۷۵۸۱۴۰/۹	۰/۰۵۶۸۴۴۲	۰/۱۳۵۴۱۰۹	۰/۱۸۴۶۸۶۸	۰/۳۵۹۵۰۳	۰/۴۸۵۷۸۷۴	۰/۸۷۵۳۵۳۸	۰/۲۹۴۷۴۵۳	۰/۴۲۱
۱۳۷۵	۱۰۹۷۷	۹۸۲۱۴۲/۱	۰/۰۵۶۶۵۱۲	۰/۱۳۴۸۳۵۸	۰/۱۸۳۲۶۸۲	۰/۳۵۸۹۰۲۸	۰/۴۶۳۹۵۸۱	۰/۶۷۸۷۸۲	۰/۲۹۳۵۵۷۶	۰/۴۲
۱۳۷۶	۱۰۹۶۸	۱۱۶۷۷۱۳	۰/۰۵۴۹۹۷۳	۰/۱۲۹۸۸۹۵	۰/۱۷۵۸۶۶۵	۰/۳۳۹۳۱۸۹	۰/۴۳۴۵۳۷۱	۰/۶۲۲۳۲۱۴	۰/۲۸۶۹۰۲۴	۰/۴۱۶
۱۳۷۷	۸۲۸۵	۱۴۵۲۶۵۸	۰/۰۵۳۳۲۹۱	۰/۱۲۷۳۵۴	۰/۱۷۳۴۳۲۲	۰/۳۴۱۴۰۲۴	۰/۴۴۱۴۵۹۶	۰/۶۴۳۰۲۴۹	۰/۲۷۵۶۴۰۴	۰/۴۱۴
۱۳۷۸	۱۲۷۳۱	۱۷۷۸۴۴۳	۰/۰۵۴۵۹۱۱	۰/۱۲۹۷۵۵۳	۰/۱۷۶۲۴۵	۰/۳۴۳۷۲۹۱	۰/۴۴۱۷۷۱۵	۰/۶۳۹۰۳۲۸	۰/۲۸۳۲۹۹۵	۰/۴۱۶
۱۳۷۹	۱۲۳۲۰	۲۰۲۹۸۹۹	۰/۰۵۵۵۷۶۱	۰/۱۳۲۱۱۸۴	۰/۱۷۹۳۶۰۲	۰/۳۴۷۸۹۶۷	۰/۴۴۳۹۱۹۷	۰/۶۲۳۹۹۳۲	۰/۲۸۸۱۱۶۹	۰/۴۲۱
۱۳۸۰	۱۲۳۳۷	۲۳۹۵۰۹۶	۰/۰۵۸۹۰۸۴	۰/۱۳۸۲۳۷۳	۰/۱۸۶۴۵۱۶	۰/۳۵۵۶۸۳۳	۰/۴۵۳۸۲۷۳	۰/۷۰۷۶۵۷۶	۰/۳۰۹۰۴۰۸	۰/۴۳۲
۱۳۸۱	۱۵۱۱۴	۲۸۹۷۷۹۵	۰/۰۵۴۶۹۰۹	۰/۱۲۹۸۴۱۷	۰/۱۷۵۹۸۶	۰/۳۳۷۴۶۶۸	۰/۴۲۷۲۱۹۷	۰/۶۱۸۰۲۷۱	۰/۲۸۳۵۷۳۷	۰/۴۳
۱۳۸۲	۱۰۹۵۹	۳۵۳۶۷۱۶	۰/۰۵۲۰۸۵۳	۰/۱۳۳۵۵۰۱	۰/۱۶۷۵۲۵۵	۰/۳۲۹۴۵۸	۰/۴۰۹۵۴۸۴	۰/۵۶۸۹۱۳۱	۰/۲۷۰۵۷۲۹	۰/۴۱۳
۱۳۸۳	۱۱۶۱۹	۴۳۱۱۰۳۸	۰/۰۵۲۸۸۸۵	۰/۱۲۵۵۷۸۹	۰/۱۷۰۳۳۳۴	۰/۳۲۹۰۲۶۴	۰/۴۲۲۶۹۴۴	۰/۶۸۸۹۷۹۲	۰/۲۷۴۴۷۴۸	۰/۴۱۶

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

نمودار ۲: روند نابرابری در مناطق شهری با استفاده از شاخص تایل



در نمودار شمارهٔ ۳ روند نابرابری طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ در مناطق شهری خلاصه شده است. در سال‌های ۶۵، ۷۰، ۶۶ به ترتیب بیشترین سطح نابرابری و در سال‌های ۸۳ و ۸۲ به ترتیب کمترین سطح‌های نابرابری دیده شده است.

نتایج حاصل از برآورد شاخص آتکینسن طی سال‌های ۸۲-۱۳۶۳ در مناطق روستایی با استفاده از ε (۱،۲،۳/۰،۵/۰،۷/۰،۵/۲) در جدول شمارهٔ ۲ خلاصه شده است.

در ۱ > ε > ۰ در روند نابرابری (مناطق روستایی) طی سال‌های ۸۲-۱۳۶۳ سازگاری وجود دارد. هرچه مقدار ε بیشتر می‌شود مانند مناطق شهری، این سازگاری کمتر می‌گردد و روند نابرابری در ε های بالاتر با هم متفاوت است.

در جدول شمارهٔ ۲ نتایج حاصل از برآورد شاخص تایل و ضریب جینی در مناطق روستایی طی سال‌های ۸۲-۱۳۶۳ خلاصه شده است.

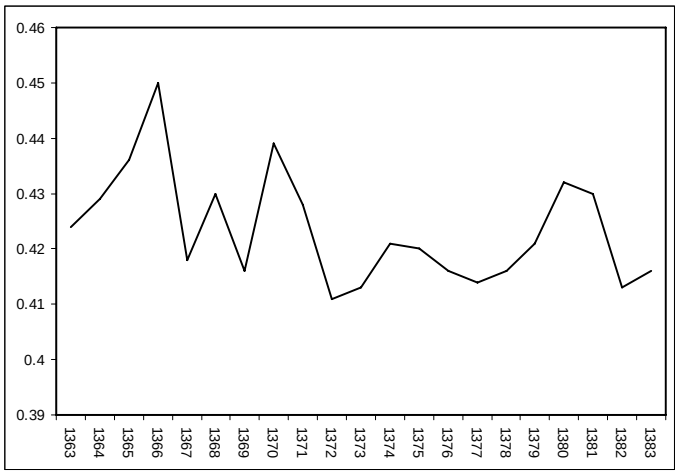
[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

جدول۴: برآورد شاخص آنکینسن، تایل وضریب جینی در مناطق روستایی طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۶۳

آمار / سال	جمعیت (N)	میانگین درآمد (µ)	A(ε=۰/۲)	A(ε=۰/۵)	A(ε=۰/۷)	A(ε=۱/۵)	A(ε=۲/۰)	A(ε=۳/۰)	T	G
۱۳۶۳	۱۲۴۲۰	۵۶۰۶۶/۹	۰/۰۶۸۶۳۳۸	۰/۱۶۰۳۳۹۸	۰/۲۱۱۲۱۷۵	۰/۴۳۳۶۴۰۵	۰/۵۶۷۱۷۷۸	۰/۷۸۶۵۷۸۴	۰/۳۶۵۰۳۰۷	۰/۳۸
۱۳۶۴	۱۳۵۸۷	۵۸۲۲۹/۸۲	۰/۰۶۵۷۳۴۳	۰/۱۵۴۹۰۸۵	۰/۲۱۰۸۶۸۷	۰/۴۲۶۴۳۳۹	۰/۵۶۱۴۸	۰/۷۹۳۷۲۷۸	۰/۳۴۷۴۱۴۶	۰/۳۷۴
۱۳۶۵	۳۰۱۵	۶۲۵۶۳/۶	۰/۰۷۹۱۳۵۱	۰/۱۸۱۲۹۰۶	۰/۲۴۳۱۱۰۳	۰/۴۷۲۹۵۴۱	۰/۶۱۰۲۳۲	۰/۸۱۶۷۷۸۸	۰/۴۲۷۳۵۹۵	۰/۴۰۶
۱۳۶۶	۳۰۱۸	۷۷۶۸۸/۵۲	۰/۰۶۱۵۳۳۲	۰/۱۴۵۵۷۵	۰/۱۹۸۶۸۷۷	۰/۴۰۵۸۸۴۹	۰/۵۳۶۹۹۹۵	۰/۷۶۷۰۴۲۶	۰/۳۲۴۴۲۱۸	۰/۳۶۵
۱۳۶۷	۴۳۳۱	۸۸۳۲۸/۶۳	۰/۰۵۹۴۶۳۹	۰/۱۴۲۰۵۸۱	۰/۱۹۴۵۷۰۷	۰/۴۰۰۶۹۱۱	۰/۵۳۲۷۹۶۷	۰/۷۶۱۳۵۸۴	۰/۳۰۹۶۶۲۹	۰/۳۴۸
۱۳۶۸	۶۰۲۸	۱۰۹۳۵۵/۲	۰/۰۶۱۲۲۲۶	۰/۱۴۸۰۷۳۵	۰/۲۰۴۰۶۵۲	۰/۴۳۱۰۸۷۹	۰/۵۸۴۶۸۶۳	۰/۸۳۶۱۴۹	۰/۳۱۴۹۴۶۲	۰/۳۶۶
۱۳۶۹	۹۳۴۷	۸۱۸۶۰	۰/۰۷۳۳۲۲۶	۰/۱۷۸۷۳۱۶	۰/۲۴۹۴۰۴۸	۰/۵۷۴۸۳۸۹	۰/۹۵۶۵۵۸۵	۰/۹۹۹۰۷۰۴	۰/۳۷۵۸۸۲۴	۰/۴۲۲
۱۳۷۰	۹۵۰۴	۱۵۸۹۵۶/۶	۰/۰۷۲۸۲۸۲	۰/۱۷۴۱۵۷۱	۰/۲۳۹۰۹۷۸	۰/۵۰۰۸۷۹۲	۰/۷۴۱۷۶۸۲	۰/۹۸۴۸۶۰۳	۰/۳۷۹۴۳۳۵	۰/۴۳۵
۱۳۷۱	۹۴۲۱	۱۹۲۷۸۰	۰/۰۶۴۶۰۵۶	۰/۱۵۸۰۹۲۵	۰/۲۱۹۵۸۲۷	۰/۴۶۵۵۸۵۱	۰/۶۴۱۳۴۴	۰/۹۸۳۳۵۵	۰/۳۲۹۱۰۹	۰/۴۰۷
۱۳۷۲	۵۹۹۴	۲۳۰۱۳۹/۸	۰/۰۶۴۷۱۸۵	۰/۱۵۷۶۶۶۴	۰/۲۱۸۵۸	۰/۴۶۶۱۵۳۹	۰/۶۴۷۱۳۴۴	۰/۹۰۱۸۴۴۷	۰/۳۳۱۱۸۶۸	۰/۳۹
۱۳۷۳	۷۷۹۳	۳۳۳۲۰۵/۳	۰/۰۶۵۳۵۵۱	۰/۱۵۶۷۸۳۹	۰/۲۱۵۰۹۳۲	۰/۴۵۴۰۰۸۴	۰/۷۰۶۳۲۳۳	۰/۹۸۴۲۱۷۱	۰/۳۳۷۸۵۶۶	۰/۳۹۵
۱۳۷۴	۱۶۳۹۵	۵۱۱۲۹۸/۳	۰/۰۶۶۶۱۶۵	۰/۱۶۱۷۹۴۷	۰/۲۲۳۱۷۶۹	۰/۴۷۳۶۲۸۵	۰/۶۵۹۵۱۴۷	۰/۹۳۰۸۶۸۲	۰/۳۴۰۸۷۸۷	۰/۴
۱۳۷۵	۱۰۹۸۷	۵۹۳۳۲۶/۴	۰/۰۶۱۸۹۲۹	۰/۱۴۹۶۸۵۶	۰/۲۰۵۹۳۲۲	۰/۴۲۹۲۸۳۵	۰/۵۹۰۵۹۵۴	۰/۸۹۱۵۱۱۶	۰/۳۱۷۶۹۵۳	۰/۳۹۳
۱۳۷۶	۱۰۹۸۲	۷۲۳۴۰۰/۹	۰/۰۶۲۷۴۵۴	۰/۱۵۰۱۵۸۵	۰/۲۰۵۳۳۸۶	۰/۴۲۳۶۴۰۳	۰/۵۹۰۴۹۷۴	۰/۹۱۳۱۷۴۳	۰/۳۲۴۷۱۱۵	۰/۳۹۶
۱۳۷۷	۹۱۹۲	۹۲۰۰۶۱/۴	۰/۰۶۶۹۱۰۸	۰/۱۶۰۴۶۷۱	۰/۲۱۹۲۳۹۸	۰/۴۹۴۱۳۴	۰/۵۷۵۲۰۷۱	۰/۸۱۳۷۲	۰/۳۴۴۹۳۳۵	۰/۴۱۶
۱۳۷۸	۱۴۷۳۳	۱۱۶۳۳۵۸	۰/۰۶۳۱۲۷۵	۰/۱۵۱۵۹۶۸	۰/۲۰۷۳۷۳۹	۰/۴۱۷۳۱۱۱	۰/۵۴۸۴۷۱۹	۰/۸۰۱۳۴۶۳	۰/۳۲۵۴۲۴۳	۰/۴۰۵
۱۳۷۹	۱۳۴۵۱۱	۱۳۴۶۲۱	۰/۰۶۳۲۳۲۶	۰/۱۵۱۶۷۹۲	۰/۲۰۷۳۶۳۲	۰/۴۱۶۸۳۴۶	۰/۵۴۹۹۸۸	۰/۸۲۰۴۲۸۲	۰/۳۲۶۲۷۰۲	۰/۴
۱۳۸۰	۱۴۹۱۷۴۲	۱۴۶۲۴	۰/۰۵۹۳۳۶	۰/۱۴۳۶۷۹۶	۰/۱۹۷۴۱۲	۰/۴۰۱۵۶۴۵	۰/۵۲۹۵۵۲۲	۰/۷۸۹۹۵۶۶	۰/۳۰۳۷۷۰۹	۰/۳۹۴
۱۳۸۱	۱۸۵۲۰۴۸	۱۷۰۳۸	۰/۵۸۳۶۶۸	۰/۱۴۱۴۲۱۳	۰/۱۹۴۴۸۶۳	۰/۳۹۷۹۰۷۴	۰/۵۲۵۲۵۵۱	۰/۷۷۷۸۶۹۵	۰/۲۹۸۸۴۲۶	۰/۳۹۲
۱۳۸۲	۲۲۰۸۹۱۷	۱۲۱۷۵	۰/۰۵۳۵۶۱۵	۰/۱۲۹۰۷۸۳	۰/۱۷۶۷۹۶۷	۰/۳۵۳۸۷۴۷	۰/۴۵۸۲۱۰۲	۰/۶۵۳۹۳۰۷	۰/۲۷۵۱۵۷	۰/۳۷۲

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

نمودار ۳: روند نابرابری در مناطق شهری با استفاده از ضریب جینی



در نمودارشمارهٔ ۴ روند نابرابری با استفاده ازشاخص آتکینسن در دامنهٔ معنی‌دار نشان داده شده است. در این نمودار بیشترین سطح نابرابری طی دورهٔ ۸۳-۱۳۶۳ در سال‌های ۷۰، ۶۹ ، ۶۵ و کمترین سطح نابرابری در سال‌های ۸۲ ، ۸۱ دیده شده است

نمودار۴: روند نابرابری در مناطق روستایی بااستفاده از شاخص آتکینسن



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

در نمودار شمارهٔ ۵ روند نابرابری طی سال‌های ۸۲ – ۱۳۶۳ در مناطق روستایی با استفاده از شاخص تایل خلاصه شده است. در سال‌های ۶۹، ۷۰، ۶۵ به ترتیب بیشترین سطح نابرابری و در سال‌های ۸۲ و ۸۱ کمترین سطح نابرابری دیده می‌شود.

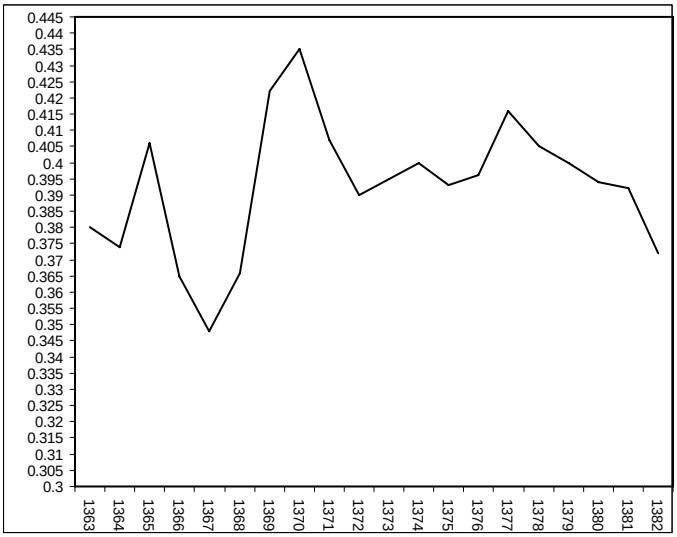
در نمودار شمارهٔ ۶ روند نابرابری طی سال‌های ۸۲–۱۳۶۳ در مناطق روستایی آورده شده است. در سال‌های ۷۷، ۶۹ ، ۷۰ بیشترین سطح نابرابری و در سال‌های ۶۸ و ۶۶ کمترین سطح نابرابری دیده شده است.

نمودار۵: روند نابرابری در مناطق روستایی با استفاده از شاخص تایل



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

نمودار۶: روند نابرابری در مناطق روستایی با استفاده از ضریب جینی



۵) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از برآورد شاخص (تایل، آتکینسن، جینی) را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

الف) در برآورد شاخص آتکینسن در مناطق شهری به دو نکته به شرح زیر توجه شده است:

آ) دامنهٔ معنی‌دار ε ؛ بـ) اندازه‌گیری و برآورد شاخص آتکینسن.

دامنهٔ معنی‌دار ε در مناطق شهری ۱ > ε > ۰ می‌باشد، به این معنی که روندهای نابرابری در این دامنه طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ باهم سازگاری دارد.

در این دامنه بیشترین سطح نابرابری به ترتیب در سال‌های ۷۰، ۶۹، ۶۵ در مناطق شهری و کمترین سطح نابرابری به ترتیب در سال‌های ۸۳ و ۸۲ دیده شده است.

دامنهٔ معنی‌دار **ε** در مناطق روستایی نیز بین صفر و یک می‌باشد. در این دامنه بیشترین سطح نابرابری به ترتیب در سال‌های ۶۵، ۶۹، ۷۰ و کمترین سطح نابرابری به ترتیب در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

سال‌های ۸۲ ، ۸۱ می‌باشد.

ب) در برآورد شاخص تایل در مناطق شهری طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۳ بیشترین مقدار نابرابری در سال‌های ۶۹، ۷۰، ۶۶ و کمترین مقدار، در سال‌های ۸۳ و ۸۳ است. در مناطق روستایی بیشترین مقدار نابرابری در سال‌های ۶۹،۷۰، ۶۵ و کمترین مقدار، در سال‌های ۸۲ و ۸۱ است. سطح نابرابری در مناطق شهری و روستایی در سال ۸۳ کمتر از سال ۶۳ می‌باشد.

ج) در برآورد ضریب جینی اندازهٔ نابرابری در مناطق شهری طی سال‌های ۶۵، ۷۰، ۶۶ به ترتیب بیشترین مقدار و در سال‌های ۸۳ و ۸۲ به ترتیب کمترین مقدار می باشد. در مناطق روستایی طی دورهٔ ۸۲-۱۳۶۳ بیشترین مقدار نابرابری در سال‌های ۷۷، ۶۹، ۷۰ و کمترین مقدار نابرابری در سال‌های ۶۸ و ۶۶ می‌باشد. نابرابری در مناطق شهری و روستایی در سال ۸۳ کمتر از ۶۳ می‌باشد.

د) آن‌چه که بیش از اندازه نابرابری در ایران نگران‌کننده است، نوسانات شدید روند نابرابری طی این سال‌ها می‌باشد که خود باعث بی‌ثباتی اقتصادی اجتماعی و سیاسی خواهد شد.

هـ) شناخت وضعیت موجود توزیع درآمدها در جامعهٔ ما دارای اهمیت اساسی است. در این زمینه باید توجه داشت که در حال حاضر، هیچ‌گونه آماری از وضعیت توزیع درآمدی جامعه در دست نیست و آمار و ارقام موجود فقط در زمینهٔ توزیع مصرف بین خانوارهاست. ولی شاخص‌های نابرابری در توزیع مصرف در شرایط ویژهٔ ایران نمایان‌گرهای مناسبی برای تصویر وضعیت توزیع درآمد نیستند، چراکه دولت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی توانسته است با موفقیت بیشتری در زمینهٔ کنترل مصرف و به‌ویژه کمک به تأمین حداقل نیازهای مصرفی قشرهای وسیع مردم از طریق عرضهٔ نسبتاً ارزان پاره ای از کالاهای اساسی و ایجاد نظم و نسق نسبی در زمینهٔ توزیع کالاهای بادوام خانگی، کفش و پوشاک اقدام کند. علاوه براین، دولت طی همین مدت با ایجاد محدودیت‌های اساسی در عرضهٔ پاره‌ای از کالاهای مصرفی اقشار مرفه‌تر جامعه، الگوی مصرفی این گروه از خانوارها را نیز تا حدی تحت کنترل گرفته است. این وضعیت باعث گردیده که الگوی توزیع مصرف متعادل‌تر گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

منابع

References

- آمارتیا، کومارسن. (۱۳۸۱)، **در باب نابرابری اقتصادی** (ترجمهٔ حسین راغفر)، تهران، موسسهٔ عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- پژویان، جمشید. (۱۳۷۳)، **بررسی توزیع درآمد و الگوی مصرف جامعه‌های شهری و روستایی طی دوره سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۲**، مجله اقتصادی، وزارت اقتصاد و دارائی معاونت امور اقتصادی، شمارهٔ ۳.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۱)، **مدارهای توسعه نیافتگی**، تهران، نشر نی.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اموراقتصادی. (۱۳۸۲)، **تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک**، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

- Atkinson, A.B.; Bourguignon, F.; Callan, T.; Chauvel, L.; Cowe, F.; Hills, J.; Joyeux, C.; Meulders, D.; Nolan, B.; Plasman, R.; Redmond, G.; Rossi, N. & Sutherland, H. (1997), **Measurement of trends in Poverty and the Income Distribution, Department of Applied Economics**, working paper MU9701, University of Cambridge.
- Atkinson, A. B. & Micklewright, J. (1992), **Economic Transformation in Eastern Europe and the Distribution of Income**, Cambridge University Press.
- Amiel.Y. & Cowell. F.A. (1994), **Income Inequality and Social Welfare**, in Creedy. J. (ed), Taxation, Poverty & Income Distribution, Edward Elgar, Alder Shot.
- Dalton, H. (1925), **The Measurement of the Inequality of Income**, Economic Journal, Vol. 30.
- Frank A. & Cowell, C. (1992), **Measuring Inequality**, London School of Economics and Political Science.
- GINI, C. (1936), **On the Measure of Concentration with especial Refrence to Income and Wealth**, Cowles Commision.
- SEN, A. K. (1967a), **A Game Theoretic Analysis of Theories of Collectivism in Allocation**, in T. Majumdar(ed.), Growth and Choice. Oxford U. Press, London.
- SEN, A. K. (1970), **Collective Choice And Social Welfare**. HoldenDay, San Francisco; republished Oliver & Boyd, Edinburgh, 1971.
- Theil .H. (1979), **World Income Inequality and Its Components of Income**, Economics Letters, 2, 197-199.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]